

امتحانات متمرکز عمومی (سطح ۲)

نیم سال اول ۹۵-۹۴
پایه پنجم ورودی بهمن

مهر مدرسه

ردیف:		
نام و نام خانوادگی:	نمره:	محل نام:
۲۰	۹۰ دقیقه	
شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۲۹۴۱/۱۹
تاریخ:	۱۳۹۴/۱۰/۱۵
عنوان:	فقه استدلالی ۴
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
محدوده:	جلد سوم: نکاح (ص ۷۶-۱۱)، طلاق (ص ۱۲۲-۷۷) و یمین، نذر و عهد (ص ۱۶۲-۱۴۹)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرتان: استان:

۱- مدلول روایت «لا تنكح ذوات الأباء من الأبكار إلا بإذن آبائهن» در مورد «ولایت پدر» در ازدواج چیست؟ ص ۲۱ و ۲۲

۰/۵

الف. اعتبار اذن الأب بلا دلالة على الاستقلالیه ☒

ب. اعتبار اذن البكر و عدم استقلال الأب ☐

ج. استقلال الأب فی أمرها اذا كانت بکراً ☐

د. استقلال المروءة الباکرة فی أمرها ☐

۲- در فرض «من كانت له زوجة صغيرة و أرضعتها زوجته الاخرى حرمت علیه» در کدام گزینه نکاح باطل می شود؟ چرا؟ ص ۴۴

۰/۵

الف. نکاح با هر دو؛ چون مرضع، مادر زن و رضیع، دخترش می شود. ☐

ب. نکاح با مرضع؛ چون مادر زنش می شود. ☐

ج. نکاح با رضیع؛ چون ربیبه اش می شود. ☐

د. نکاح با رضیع؛ چون دخترش می شود. ☒

۳- عده در فرضی که «مات زوجها أثناء الأجل و هی لا تحيض» چقدر است؟ ص ۶۶

۰/۵

الف. دو حیض ☐

ب. عده ندارد. ☐

ج. چهل و پنج روز ☐

د. چهار ماه و ده روز ☒

۴- مقتضای جمع بین موثقه «لايجوز طلاق الغلام حتى يحتلم» و موثقه «يجوز طلاق الصبی اذا بلغ عشر سنين» چیست؟ ص ۸۳

۰/۵

الف. حمل الاولى على من عمره اقل من عشر سنين ☒

ب. حمل الاولى على من عمره اكثر من عشر سنين ☐

ج. حمل الاولى على من كان عمره عشر سنين ☐

د. حمل الثانية على من بلغ فی عشر سنين ☐

۵- «واو» در حدیث شریف «طلاق الحُبلى واحدة و أجْلِها أن تضع حملها و هو أقرب الأجلين» از کدام نوع است؟ چرا؟ ص ۱۰۹ و ۱۱۰

۰/۵

الف. استثنائية - اذ قد يكون الوضع أقرب الأجلين و قد لا يكون ☐

ب. حالیه - اذ قد يكون الوضع أقرب الأجلين و قد لا يكون ☒

ج. استثنائية - لانّ الوضع أقرب الاجلين دائماً ☐

د. حالیه - لانّ الوضع أقرب الاجلين دائماً ☐

۶- آیا «نهی پدر» بعد از انعقاد «نذر فرزند» موجب انحلال آن می شود؟ ص ۱۵۹

۰/۵

الف. نعم، لاستصحاب عدم ترتب الأثر بعد الشك فی انحلاله. ☐

ب. لا، لاستصحاب بقاء العقد بعد الشك فی انحلاله. ☐

ج. نعم، لانّ النهی یوجب زوال الرجحان فيحلّ بقاءً. ☒

د. لا، لعمومية ادلة وجوب الوفاء بالنذر بعد انعقاده. ☐

۷- چگونه روایت (قلت لابی عبد الله علیه السلام کیف أقول لها؟ قال: تقول «أتزوّجک متعة ... کذا و کذا يوماً بکذا و کذا درهماً» فاذا قالت: نعم، فقد رضیت و هی امرئتك) بر لزوم ایجاب و قبول لفظی در عقد نکاح دلالت می کند؟ (دو وجه بیان کنید) ص ۱۵ - ۲ نمره

۲

جواب: الف. ظاهر روایت این است که لزوم صیغه لفظی در ذهن راوی (ابان) مسلم بوده و لذا راوی تنها از خصوصیات و شرائط سؤال نموده است و امام هم ارتکاز وی را ردّ ننموده است.

ب. مفهوم جمله «اذا قالت: نعم، فقد رضیت و هی امرئتك» دلالت می کند که زوجیت بدون گفتن «نعم» از جانب زوجه محقق نمی شود.

۸- با توجه به موثقۀ «لاحرمة لنساء أهل الذمة أن ينظر الى شعورهنّ و أیدیهنّ» پاسخ دهید: ص ۳۰ - ۱/۵ نمره

۱/۵

الف) آیا از روایت علاوه بر جواز نظر به زنان اهل ذمه، جواز نظر به زنان غیر مسلمان هم استفاده می‌شود؟

جواب: بله (۰/۵ نمره)

ب) تقیید عدم حرمت نظر به نساء اهل ذمه از چه بابی است؟

جواب: چون این توهّم وجود دارد که عقد ذمه علاوه بر جان و مال زنان اهل ذمه، مو و بدن ایشان را نیز محترم بدارد و نگاه به ایشان حرام باشد، برای رفع این توهّم، از بین زنان غیر مسلمان، زنان اهل ذمه مخصوص به ذکر در این موثقۀ شده‌اند. (۱ نمره)

۹- مستند این فرع فقهی: «لایجوز العقد علی بنت الزوجة مادام قد فرض العقد علی امها مسبقاً» را بنویسید. ص ۳۵ و ۳۶ - ۲ نمره

۲

جواب:

زیرا در فرض ازدواج با دختر، بر مادر دختر عنوان مادر زن صدق می‌کند و طبق آیه شریفه «حُرِّمَتْ عَلَیْکُمْ ... وَ أُمَّهَاتُ نِسَائِکُمْ» صدق این عنوان موجب حرمت وی بر مرد می‌شود. پس ممکن نیست که عقد هر دو صحیح باشد و از طرفی چون عقد مادر قبلاً واقع شده و صحیح بوده بطلانش محتاج به دلیل است. در حالی که دلیلی بر آن نداریم. پس متعین است که عقد دختر را باطل بدانیم.

۱۰- با استناد به صحیحۀ «قلت ما یحرم من الرضاع؟ قال: ما أنبت اللحم و شدّ العظم. قلت: فتحرّم عشر رضعات؟ قال: لا، لانه لاتنبت اللحم و لاتشدّ العظم عشر رضعات» استدلال کنید از بین تحدید کمی و کیفی کدام یک معیار در نشر حرمت به سبب رضاع هستند و کدام یک طریق احراز معیار می‌باشند؟ ص ۵۲ - ۲ نمره

۲

جواب: با توجه به این که معصوم ^{علیه السلام} در جواب سائل که از ایشان سوال می‌کند حرمت رضاعی چگونه حاصل می‌شود؟ و حضرت در جواب ایشان می‌فرماید: زمانی که گوشت بروید و استخوان محکم شود (۰/۵ نمره) و همچنین در ادامه نیز در پاسخ سائل که می‌پرسد آیا با ۱۰ مرتبه شیر دادن حرمت رضاعی حاصل می‌شود؟ و حضرت می‌فرماید: خیر زیرا با ۱۰ مرتبه شیر دادن گوشت روئیده نمی‌شود و استخوان محکم نمی‌شود به وضوح مشخص می‌شود که معیار در نشر حرمت رضاعی تحدید کیفی است. (۱ نمره) و تحدید کمی در واقع طریقی برای احراز تحدید کیفی است. (۰/۵ نمره)

۱۱- با توجه به تقیید آیه شریفه «و لا تنکحوا المُشْرِکَاتِ حَتّٰی یُؤْمِنَ ... أُولَئِکَ یَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (بقره: ۲۲۱) به «مشرکات» دو دلیل کسانی که با استناد به آیه مذکور، ازدواج با مطلق زنان کافر را حرام می‌دانند بنویسید. ص ۶۰ و ۶۱ - ۲ نمره

۲

جواب: فراز اول: غایت (حتی یؤمن) دلالت می‌کند که مسلمان جایز نیست با غیر مومنه ازدواج کند. فراز دوم: ذیل آیه (اولئک یدعون الی النار) خصوصیت شرک را نفی می‌کند. زیرا این وصف شامل تمامی کفار می‌شود. در نتیجه آیه بر عدم جواز ازدواج مسلمان با مطلق زنان کافر دلالت می‌کند.

۱۲- کیفیت جمع میان روایت‌های «لا میراث بینهما فی المّتعة اذا مات واحدُ منهما فی ذلک الأجل» و «تزوِج المتعة نکاحُ بمیراث و نکاحُ بغیر میراث إن اشترطتُ کان و إن لم تشترط لم یکن» را بنویسید. ص ۷۵ - ۲ نمره

۲

جواب: روایت اول مطلق است و می‌گوید زن و شوهر در ازدواج موقت از یکدیگر ارث نمی‌برند چه شرط کرده باشند و چه شرط نکرده باشند. اما روایت دوم مقید است و می‌گوید اگر شرط نموده باشند از یکدیگر ارث می‌برند. لذا مطلق را بر قید حمل می‌کنیم و می‌گوئیم روایت اول مختص مواردی است که اشتراط صورت نگرفته باشد.

۲

۱۳- دو مورد از اطلاقات سه‌گانه «طلاق سنی» را نام برده و توضیح دهید. ص ۹۵ و ۱۰۲ - ۲ نمره

جواب: الف. سنی به معنای اعمّ طلاق که دارای تمام شرایط ذکر شده باشد که در مقابلش طلاق بدعی است که فاقد برخی شروط طلاق می‌باشد. ب. سنی مقابل عدی: طلاق است که در عده زن، رجوع همسر محقق شود ولی نزدیکی صورت نگیرد.

ج. سنی به معنای اخصّ: طلاق است که در عده زن، همسر رجوع نکند بلکه بعد از اتمام عده زوجه را با عقد جدید به ازدواج خود در می‌آورد.

۱۴- جمع عرفی میان روایت‌های «المباراة یؤخذ منها دون الصّدق ...» و «المباراة تقول المرأة لزوجها ... و لا یحلّ لزوجها أن یأخذ منها إلّا المهر فمادونه» چگونه محقق می‌شود؟ چرا؟ ص ۱۲۰ تا ۱۲۲ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: از آن‌جا که روایت دوم صراحت دارد که جایز است عوض در طلاق مبارات به مقدار مهر باشد لذا روایت دوم را این‌گونه حمل می‌کنیم که مقصود از «دون الصّدق» این است که در مبارات معتبر است که عوض بیشتر از مقدار مهر نباشد. و دلیل ما بر این جمع آن است که هر گاه دو دلیل متنافی داشته باشیم که یکی صریح و دیگری ظاهر باشد، نص قرینه می‌شود که ظاهر را به تأویل ببریم.

۱۵- جواب مؤلف از اشکال (إنّ موثقة «إذا قال الرجل: أقسمت أو حلفت، فلیس شیء حتّٰی یقول: أقسمتُ بالله أو حلفتُ بالله» دلّت عدم انعقاد الیمین إلّا اذا کانت متعلّقة بلفظ الجلالة) را بنویسید. ص ۱۵۳ - ۲ نمره

۲

جواب: موثقۀ تنها دلالت می‌کند که «أقسمتُ» و «حلفتُ» به تنهایی موجب انعقاد یمین نمی‌شود بلکه لازم است چیزی به آن ضمیمه شود. یعنی تنها بر لزوم ضمیمه به ماده «أقسمتُ» و «حلفتُ» دلالت دارد اما در مقام بیان این جهت که آن ضمیمه خصوص لفظ جلاله باشد نیست.